

بکنند. آن‌ها باید به شاگردانشان فرصت دهند تا خود را نشان دهند، زیرا نیروهای دانش‌آموزان همانند چشمه جوشانی است که ابتکار و خلاقیت از آن فوران می‌کند؛ منتها ابتکار در این است که به آنان فرصت ابراز کردن داده شود.

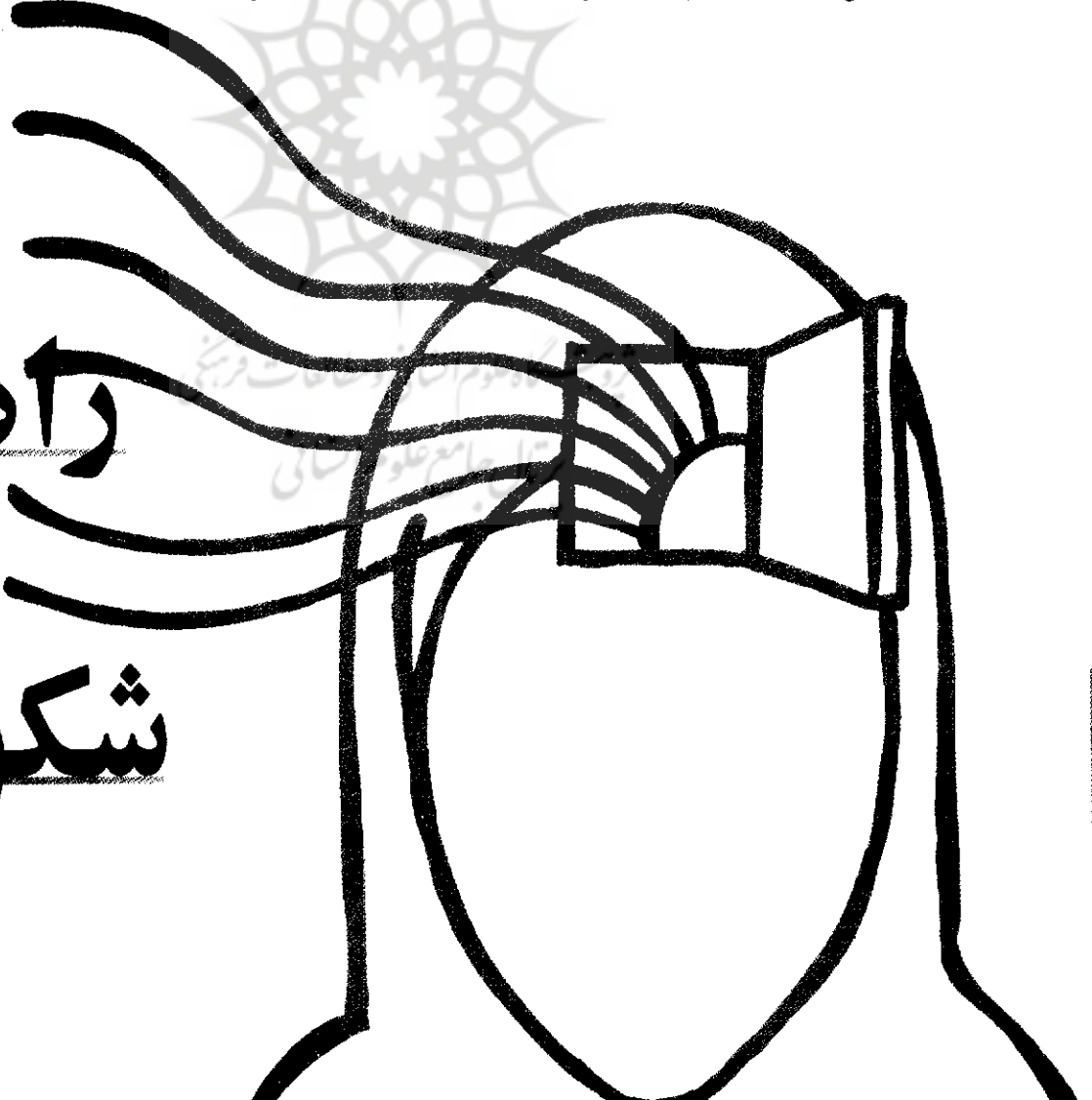
کودکان خلاق از دیرباز مورد توجه بوده‌اند؛ مثلاً افلاطون در کتاب جمهوری خود گزینش کودکان پر استعداد را حتی از میان خانواده‌های زحمتکشان و صنعتگران تجویز کرده است. در قرن حاضر نیز تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است تا دانش‌آموزان خلاق شناسایی شوند. شناخت دانش‌آموزان خلاق می‌تواند راه‌گشای کار معلمان مدارس باشد تا

همه کودکانی که به دنیا می‌آیند دارای توانایی‌های بالقوه خدادادی‌اند. این توانایی‌ها به علل مختلف وراثتی و محیطی در برخی بیش‌تر و در برخی از آن‌ها کم‌تر است. یکی از این توانایی‌ها روحیه خودنمایی است که از سال دوم کودکی آغاز می‌شود و در پرتو همین روحیه، اختراعات، ابتکارات و پیشرفت‌های علمی و فنی به وجود می‌آید. اگر این توانایی نبود هیچ‌گاه تمدن صنعتی بشر تا این حد اوج نمی‌گرفت. این توانایی نیز مانند سایر توانایی‌های انسان باید هدایت و ارشاد شود.

معلمان و مربیان باید در امر تعلیم و تربیت از وجود این توانایی بالقوه حداکثر استفاده را

راه‌های

شکوفایی



می‌کند حقیقت را در اختیار دارد فقط قصدش این است که با مؤثرترین فنون آن را به دیگران تحمیل کند.

خلاقیت در آموزش سنتی جای بسیار اندکی دارد، به طوری که شاید بتوان گفت خلاقیت نه تنها فراموش شده، بلکه خفه و خاموش شده است. "تاردی" در این باره می‌گوید: تخیل سازنده هنوز هم عملاً در معرض ظلم و تعدی است، زیرا مدرسه سنتی نه تنها درها را به روی تخیل سازنده نگشوده، بلکه می‌توان گفت در بعضی موارد نیز درها را به روی آن بسته است. در واقع باز گذاشتن درها به روی تخیل به منزله واگذاری آزادی به شاگرد برای اظهار وجود است و برای آزادی اظهار وجود، گفت و گو وسیله مؤثری محسوب می‌شود.

آموزشگاه سنتی، آموزشگاه سکوت است و در آن کم‌تر به شاگردان اجازه صحبت کردن و فکر کردن داده می‌شود. این

بدین وسیله بتوانند استعدادهای چنین دانش‌آموزانی را شکوفا سازند و آن‌ها را به سوی رشد و تعالی سوق دهند. شناخت و پرورش استعدادهای برجسته و خلاق از وظایف و مسئولیت‌های خطیر مربیان است. پس تعلیم و تربیت دانش‌آموزان خلاق باید همراه با شناخت، احساس مسئولیت خطیر الهی و پذیرش رسالت‌های اجتماعی باشد.

خلاقیت در آموزشگاه سنتی

سرزنش آموزشگاه‌های سنتی و قدیمی کاری بی‌فایده است، چون آموزش و پرورش سنتی آن‌طور که آن را تدوین کرده‌اند روی تعلیم مستقیم و بنابراین تقلید و انتقال، متمرکز است. معلم دانش را منتقل می‌کند و دانش‌آموز با حفظ کردن آن مبحث مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.

اشتباه معلم عادی این است که هرگز درباره خودش شک نمی‌کند و در حالی که فکر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شناخت و

خلاقیت در دانش‌آموزان

وجیهه گمینیان

گونه برخوردها قطعاً علل متعددی دارد، اما علت عمده، نگرش معلم نسبت به شاگردان خلاق است. (بودو، ۱۳۵۸)

کنترل و جکسون این مسئله را به طور تجربی مورد تحقیق و مطالعه قرار دادند. آنان از معلمان شاگردان عضو یک گروه نمونه خواستند که هر یک از آن‌ها را در پنج طبقه که بر حسب ملاک تعیین شده بود، جای دهند. نتایج به دست آمده بسیار چشمگیر بود. به این ترتیب که معلمان، شاگردان دارای هوشیهر زیاد را نسبت به شاگردان برخوردار از بهره هوشی متوسط بیش تر دوست داشتند و بر عکس خلاق ترین شاگردان فقط به اندازه افراد متوسط گروه مورد علاقه معلمان بودند. معلمان چندان حمایتی از شاگردان خلاق نمی کنند، زیرا این شاگردان را تهدیدی برای درس خود می دانند. سوالات شاگردان خلاق می تواند درسی را که صبورانه از طرف معلم تشریح و به تدریج ساخته و پرداخته می شود مورد شک قرار دهد و در بسیاری موارد سؤال آن‌ها غیرمنتظره است و شاید معلم نتواند به آن جواب دهد یا لااقل جواب آن را پیش بینی نکرده است (آلن بودو، ص ۴۲ تا ۶۴). بنابراین لازمه رسیدن به آموزش و پرورش خلاق، دور شدن از روش های سنتی آموزش و به کارگیری شیوه های باز مردم سالارانه در امر یادگیری و یاددهی است. به این جهت امروزه باید به جای انباشتن ذهن شاگردان از محفوظات، فکر آنان را به فعالیت واداشت و روش اندیشیدن را به آنان آموخت، زیرا استعداد خلاقیت امری است کاملاً فطری و بروز

آن در مورد عامه شاگردان امکان پذیر است. ولی آن چه اهمیت دارد چگونگی شکوفا کردن این استعداد در افراد بالقوه خلاق است.

خلاقیت چیست و چگونه به وقوع می پیوندد؟

- ۱- خلاقیت امری است توسعه پذیر؛ به عبارت دیگر همه دانش آموزان از توانایی بالقوه خلاقیت برخوردارند.
- ۲- خلاقیت امری است فردی و ارزیابی خلاقیت توأم با ارزیابی توانایی های فردی است.
- ۳- خلاقیت از طریق حساسیت در درک مسائل قابل توسعه به وقوع می پیوندد.
- ۴- خلاقیت از طریق آزمایش، تجربه و کندوکاو رشد می کند.
- ۵- اندیشه تخیلی و تفکر مبتکرانه موجب برانگیختگی قدرت خلاقیت می شود.
- ۶- خلاقیت با استقلال فکر و اعتماد به نفس همراه است؛ لذا اعتماد به نفس قوی برای رشد خلاقیت امری کاملاً ضروری است.
- ۷- خلاقیت از طریق بیان احساسات و برداشت های شخصی غنی تر می گردد. صحبت درباره تجربه خلاق ارزش آن را بیش تر می کند.
- ۸- خلاقیت، عبارت از کنجکاوی و تمایل برای دانستن و تجربه کردن بسیاری از چیزهاست، لذا به کنجکاوی دانش آموزان باید اهمیت داده شود.

۹- خلاقیت، توسعه آگاهی و توانایی جذب و بهره مندی از همه نعمت های زندگی است. (افروز، ۱۳۶۵، ص ۲۰)

اشتباه معلم عادی این است که هرگز درباره خودش شک نمی کند و در حالی که فکر می کند حقیقت را در اختیار دارد فقط قصدش این است که با مؤثرترین فنون آن را به دیگران تحمیل کند.

می گیرند و استفاده می کنند.

۵- در فکر و عمل از انعطاف پذیری بالایی

برخوردارند. (قرائی مقدم، صفحه ۸۳)

مطالعاتی که "بارون" (۱۹۶۹) در زمینه

شخصیت افراد خلاق انجام داده است نیز نشان

می دهد که آن ها در مقایسه با افراد عادی

خوش بنیه تر و دارای انرژی روانی و جسمی

استثنایی اند. زندگی آن ها پیچیده تر است و به

دنبال تنش اند یا از طریق آزاد شدن آن احساس

لذت می کنند. افراد خلاق، کم تر ضعیف النفس

بوده و از مسائل و امور آگاه اند. آنان به مسائل

بنیانی علاقه مندند و تمایل زیادی به خطر کردن

دارند (خطر اشتباه، تصحیح و مسخره شدن). این

خصالت به آن ها کمک می کند تا از شناخت

منفی و بی تفاوتی بگذرند و به شناختی فعال

برسند.

تورنس (۱۹۹۸) در پاسخ به این پرسش که

ویژگی های شخصیتی چه نقشی در خلاقیت ایفا

می کنند، گفته است: شخصیت هم می تواند

خلاقیت را آسان سازد و هم مانع آن شود.

ویژگی هایی از قبیل آمادگی برای خطر کردن،

کنجکاوی و جست و جو گری، استقلال

اندیشه، پشتکار و پایداری، شهامت،

استقلال رأی، خودآغازگری،

ابتکار، پرسشگری درباره

موقعیت های معماگونه و درگیر شدن با

امور دشوار از جمله ویژگی های آسان ساز

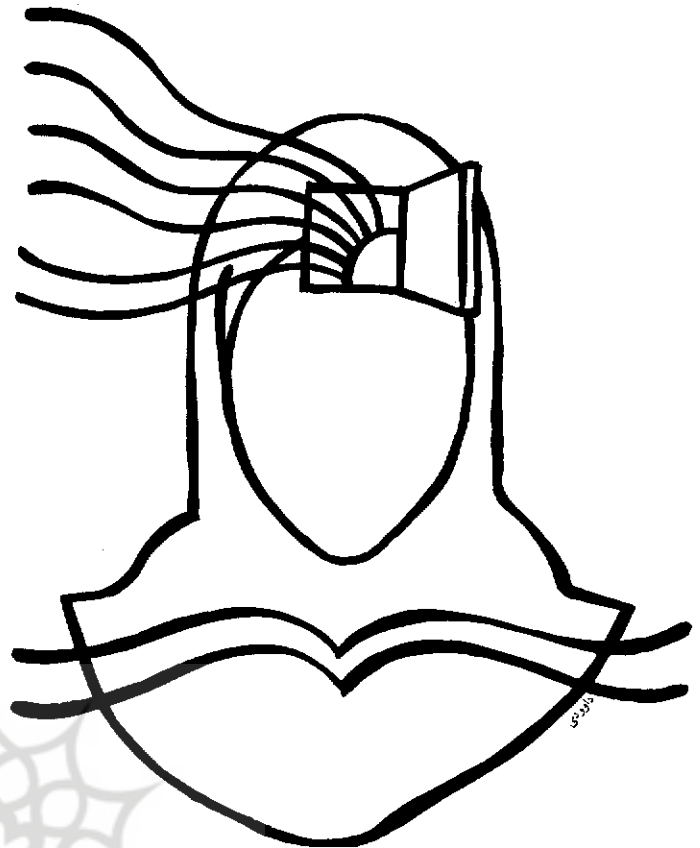
خلاقیت شمرده شده اند. او می گوید: "هر عملی

که ما برای تشویق این گونه رفتارها انجام دهیم

شخص را در جهت خلاقیت بیش تر سوق

می دهد." (سیف، ۱۳۷۹، ص ۵۹۹)

در مقابل ویژگی های شخصیتی بالا که



ویژگی های افراد خلاق

۱- افراد خلاق مسائل و وضعیت هایی را

می بینند که قبلاً مورد توجه قرار نگرفته است.

آن ها افکار، عقاید و نظریات جدیدی ارائه

می دهند که دیگران از آن عاجزند.

۲- اندیشه، فکر و تجربیات حاصل از منابع

گوناگون را به هم ربط داده، آن ها را مورد

بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهند و به خلق

آثار جدید می پردازند.

۳- به طور معمول از طرق گوناگون به

بررسی هر موضوع می پردازند و به آنچه

گذشتگان انجام داده اند اکتفا نمی نمایند و نسبت

به پیش فرض های قبلی گذشتگان تردید

می کنند.

۴- فی البداهه از نیروی ذهنی و بینش

بیش تری برخوردارند و از آن ها کمک

امروزه باید به
جای انباشتن ذهن
شاگردان از
محفوظات، فکر
آنان را به فعالیت
واداشت و روش
اندیشیدن را به
آنان آموخت.

موجب شکوفایی خلاقیت می‌شوند، ویژگی‌های دیگری وجود دارند که از بروز خلاقیت جلوگیری می‌کنند. گیلفورد (۱۹۹۸)

در این باره ویژگی‌های زیر را نام برده است: سلطه‌گری، منفی‌بافی،

مقاومت، ترس، عیب‌جویی، انتقاد از دیگران،

سازشکاری، تسلیم در برابر

قدرت و کمروبی (سیف، ۱۳۷۹،

صفحه ۵۹۹). از موانع دیگری که بر سر راه

خلاقیت دانش‌آموزان قرار دارند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عدم اعتماد به نفس، که به مرور زمان با توجه به تجارب گذشته فرد و محیط اجتماعی در افراد به وجود می‌آید. افراد جامعه‌ای که به قول مزلو به علت نیازهای دیگر فرصت خودیابی پیدا نکرده‌اند و به آن‌ها چنین فرصتی داده نشده است تا به رشد و بلوغ برسند، کم‌تر اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و همیشه متکی و فرمانبردار دیگران بار می‌آیند.

۲- تمایل به هم‌رنگی و هم‌گونی، زیرا متفاوت از دیگران رفتار کردن و راه و روش دیگران را نرفتن، به خصوص در جوامع عقب مانده و سنتی، موجب تمسخر و سرزنش می‌شوند.

۳- عکس‌العمل منفی، از مهم‌ترین عواملی است که اثر تخریبی شدید بر روی یک موضوع ناآشنا و یک ایده جدید دارد. وقتی این طرز فکر با ذکاوت زیاد نیز همراه باشد نتیجه آن به خلاقیت کمک نمی‌کند. طبع قضاوت و طبع خلاقیت غالباً با هم در جدال‌اند، مگر آن که به نحو صحیحی هماهنگ شوند. تفکر خلاق نیاز به

طرز تلقی و تفکر مثبت دارد.

۴- حذف خیال‌بافی‌ها و اجازه خیال‌بافی ندادن به دانش‌آموزان.

۵- محدودیت‌هایی که بازدارنده قوه تدبیر و کنجکاوی دانش‌آموز است. برای مثال وقتی معلمان از سؤال کردن و چراهای دانش‌آموز خسته می‌شوند تا اندازه‌ای جست‌وجو‌گری و کنجکاوی او محدود می‌شود.

۶- پیش‌داوری‌ها (شامل پیش‌داوری خود شخص یا عقیده‌های دیگران).

۷- ترس از انحراف و سعی در هم‌نوایی با اجتماع.

۸- ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی.

ویژگی‌های دانش‌آموزان خلاق

خلاقیت، عبارت از قدرت استدلال، درک سریع مفاهیم و حافظه قوی در دانش‌آموزان خلاق است. شاگردان خلاق لزوماً در آزمون‌های هوشی نمره چندان فوق‌العاده‌ای کسب نمی‌کنند. اما در آزمون‌های مربوط به سنجش مهارت‌های تفکر واگرا نمره بالایی به دست می‌آورند. بنابراین فقط اشخاص تیزهوش نیستند که می‌توانند خلاق باشند، بلکه با هوش متوسط هم می‌توان خلاق بود و کمبود خلاقیت را فقط به افرادی که عقب‌ماندگی ذهنی دارند می‌توان نسبت داد. نتایج تحقیقات تورنس (۱۹۹۸) راجع به رابطه «هوش و خلاقیت نشان دهنده این است که معدل بهره هوشی دانش‌آموزان خلاق بین ۹۷ تا ۱۲۶ است و در نتیجه بین شاگردان با هوش و خلاق تفاوت معنی‌داری در پیش‌رفت تحصیلی وجود ندارد.» (سیف، ۱۳۶۹، ص ۵۴۹)

سلطه‌گری،

منفی‌بافی،

مقاومت، ترس،

عیب‌جویی، انتقاد

از دیگران،

سازشکاری،

تسلیم در برابر

قدرت و کمروبی

از ویژگی‌هایی

هستند که از بروز

خلاقیت جلوگیری

می‌کنند.



دانش آموزانی که خلاق اند راه‌حل‌های هوشمندانه برای مسائل ارائه می‌دهند. آن‌ها در بازخوردها و نگرش‌های خود مستقل و بی‌تعصب‌اند و ترجیح می‌دهند که در شرایطی باز و نامحدود (از نظر یادگیری) فعالیت کنند تا دیدگاه‌های خود را مطرح کنند. این کودکان به فعالیت‌های فرهنگی بیش از ورزش و فعالیت‌های اجتماعی علاقه دارند. دختران خلاق علاقه دارند که بیش‌تر با پدر خود همسانی داشته باشند. دانش‌آموزان خلاق از خوانندگان کتاب و مجله به‌شمار می‌آیند و از مهم‌ترین خصایص آن‌ها احساس بی‌شبهت بودن به دیگران است. آن‌ها در فعالیت‌های گروهی غالباً نقش رهبر را به‌عهده می‌گیرند و برای مشورت، بیش‌تر به دوستان مراجعه می‌کنند تا والدین.

دانش‌آموزان خلاق
از خوانندگان کتاب
و مجله به‌شمار
می‌آیند و از
مهم‌ترین
خصایص آن‌ها
احساس بی
شبهت بودن به
دیگران است.

آن‌ها دارای تخیلی قوی‌اند و حتی در کودکی دوست خیالی داشته‌اند. از جمله خصوصیات دیگر آن‌ها رؤیاهای با شکوه و وحشت‌انگیز است که نشان از نایمنی عمیقی است که در زیر ظاهر مطمئنشان پنهان است. شاگردان خلاق، آشوبگر و بی‌انضباط لقب گرفته‌اند. سؤالات آن‌ها عجیب و نامعقول جلوه می‌کند و باعث تهدید معلم می‌شود. از نظر اجتماعی کنترل و جکسون (۱۹۶۲) معتقدند که یکی از خصوصیات مهمی که کودک دارای خلاقیت سطح بالا را از کودک دارای بهره‌ هوشی سطح بالا متمایز می‌کند توانایی یا گرایش فرد خلاق به خطر کردن است. کودکان خلاق با هوشبهر کم، وقتی قضاوت و ارزشیابی بر کارشان مسلط باشد، شکل دادن به تفکری که لازم دارند برایشان مشکل است، اما وقتی تهدید قضاوت بر طرف گردد نتایج کار آنان کاملاً رضایت‌بخش است. کودکان با هوش غیرخلاق وقتی مورد قضاوت قرار گیرند خود را در حداکثر امنیت و اطمینان حس می‌کنند و نتایج عالی به دست می‌آورند.

نیکسون (۱۹۶۲)، تورنس (۱۹۶۶) و لی کاک (۱۹۷۹) تحقیقاتی انجام داده‌اند و ویژگی‌های دانش‌آموزان خلاق را این چنین عنوان کرده‌اند:

- ۱- این دانش‌آموزان از نظر هوش بالاتر از سطح متوسطه‌اند.
- ۲- از نظر هوش کلامی و فضایی بسیار برجسته‌اند.
- ۳- دارای ظرفیت‌های حافظه‌ی فوق‌العاده در ثبت و نگهداری وقایع مختلف هستند.



دانش‌آموزان می‌بایست توسط معلم مورد تشویق قرار گیرد و زمینه ظهور آن‌ها فراهم شود.

۴- گاهی اوقات بدون آن که تهدیدی از جهت نمره ارزشیابی یا انتقاد در کار باشد، باید کودکان را آزاد گذاشت تا کارهایی را که خودشان می‌خواهند انجام دهند.

۵- هرگز نباید قضاوتی در مورد رفتار دانش‌آموزان به عمل آورد، بدون این که علل و



باید نیروی ابتکار و تخیل افراد را بارور کرد تا در هر زمینه‌ای توان انجام فعالیت‌های لازم برای گشودن بایی نور را داشته باشند.

نتایج آن تشریح شود.

۶- اندیشه‌هایی مانند: همه چیز از قبل معلوم و معین شده است، باید از افرادی که به عنوان متخصص در هر زمینه‌ای معرفی شده‌اند اطاعت کرد و نمی‌توان نگرش خاص خود را دنبال کرد، نباید در ذهن دانش‌آموزان ایجاد شود.

۴- آماده‌اند امور و فعالیت‌های مختلف را تجربه کنند.

۵- از نظر فکری مستقل‌اند.

۶- از نظر اجتماعی، رفتاری مطلوب دارند.

۷- از نظر بیان، صریح و راحت‌اند.

۸- افرادی فعال و کنجکاوند.

۹- در حل مسائل و پاسخ به سؤالات عموماً از تفکر واگرا برخوردارند. تفکر واگرا تفکری است که به گونه‌ای متفاوت از جریان عام فکری جامعه به حل مسائل می‌پردازد.

۱۰- به مسائل مذهبی و فلسفی علاقه نشان می‌دهند.

۱۱- عموماً مقاوم و با جرئت، انتقادپذیر و خستگی‌ناپذیرند.

۱۲- خودجوش، صادق و ساده‌اند. (افروز، ۱۳۶۵، ص ۲۰ و ۲۱)

اگر ویژگی‌های مزبور در یک فرد خلاق به‌طور کامل دیده نشود، مطمئناً در گروه افراد خلاق قابل مشاهده خواهد بود.

چگونه می‌توان خلاقیت

را در دانش‌آموزان پرورش داد؟

۱- به سؤالات دانش‌آموزان باید احترام گذاشت و آن‌ها را راهنمایی کرد تا خودشان جواب سؤالات را بیابند.

۲- باید به دانش‌آموزان نشان داد که عقایدشان دارای ارزش است و عقایدی را که پذیرش آن‌ها در کلاس ممکن باشد، باید پذیرفت.

۳- نظریات و اظهارات خلاق

۷- باید در هر زمینه‌ای مهارت و درک لازم را به وجود آورد، زیرا در غیر این صورت امکان مبدل شدن به یک دانشمند یا هنرمند خوب و نیز امکان به دست آوردن برتری، به عنوان بخشی از خلاقیت، جز برحسب شانس و تصادف فراهم نخواهد شد.

۸- باید نیروی ابتکار و تخیل افراد را بارور کرد تا در هر زمینه‌ای توان انجام فعالیت‌های لازم برای گشودن بایی نو را داشته باشند.

۹- باید به عقاید غیرعادی دانش‌آموزان احترام گذاشت، زیرا کسانی که به نوعی خلاقیت آن‌ها برانگیخته می‌شود، روابط و مفاهیمی را درک می‌کنند که بقیه ممکن است از آن بی‌خبر باشند.

۱۰- جواب‌ها باید طوری باشد که فرد را به سؤالات تازه هدایت کند. مربی باید هنگام جواب دادن به هر سؤال، دانش‌آموز را به معماهای تازه‌تری بکشانند تا ذهن او خودآگاه و ناخودآگاه مشغول کاوش و جست و جو باشد.

۱۱- تکمیل کردن اشیا و امور ناکامل از موارد دیگری است که موجب خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود. باید از آن‌ها خواسته شود جملات ناکامل، نقاشی‌ها و تصاویر نیمه‌تمام و مبهم و حتی اشیا نیمه‌کاره را کامل کنند.

۱۲- دانش‌آموز باید اشیا را از نزدیک ببیند و آن‌ها را زیرورو کند. مشاهده‌ی شیء به تنهایی کنجکاوی او را ارضا نخواهد کرد. می‌توان تا آن جا که سلامت دانش‌آموزان به خطر نیفتد آن‌ها را به بازی‌های تخیلی تشویق و ترغیب کرد.

۱۳- باید فرصت‌های مناسب برای یادگیری مبتکرانه تدارک دیده شود و از این

نوع یادگیری‌ها قدردانی گردد، زیرا یکی از مشخصات انسان خلاق این است که توانایی‌اش را خود به کار می‌اندازد. کنجکاوی و عشق شدید کودک به کشف مطالب تازه نشان می‌دهد که در یادگیری، تقریباً همه کودکان پیشقدم‌اند. وظیفهٔ مربیان این است که این قابلیت را زنده نگهدارند و بگذارند که گاهی اوقات کودکان مطابق ذوق و سلیقهٔ خود اشیا و امور را کشف کنند.

۱۴- معلمان باید سؤال‌هایی را بپرسند که با چرا و چگونه آغاز می‌شوند، نه با کجا، چه کسی و چه وقت. سؤال‌هایی که دارای جواب‌های متعدد باشند، موجب تفکر واگرا و ایجاد خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شوند.

منابع:

- بودو، آلن: خلاقیت در آموزشگاه، ترجمه علی‌خان‌زاده، انتشارات شرکت سهامی چهار، تهران ۱۳۵۸.
- سیف، علی‌اکبر: روان‌شناسی تربیتی، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران ۱۳۶۹.
- سیف، علی‌اکبر: روان‌شناسی پرورشی، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۷۹.
- شریعتمداری، علی: روان‌شناسی تربیتی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۲.
- قرائنی مقدم، امام ا...: مدیریت آموزشی، انتشارات ابجد، تهران ۱۳۷۵.
- افروز، غلامعلی: دانش‌آموزان تیزهوش و خلاق، مجله پیوند، شماره ۱۸، دی‌ماه ۱۳۶۵.
- خان‌زاده، علی: پرورش خلاقیت در کودکان، مجله پیوند، شماره ۵۷، خرداد ۱۳۶۳.
- رشیدپور، مجید: آفرینش خلاقیت‌ها آغاز خودنمایی، مجله پیوند، شماره ۵۲، بهمن ۱۳۶۲.